

دورنمای همکاری‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان پس از استقلال این کشور، با توجه به تحولات منطقه‌ای و جهانی و همچنین ملاحظات سیاسی متغیر بوده است. موقعیت دو کشور در تأمین انرژی به دلیل واقع شدن در دو منبع بزرگ نفت و گاز (دریای خزر و خلیج فارس) و داشتن شرایط مناسب برای حمل و نقل و ترانزیت به لحاظ قرار گرفتن در کریدورهای مهم بین‌المللی از جمله شمال- جنوب و شرق- غرب، ایجاب می‌نماید تا همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه خود را در سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای تقویت نمایند. در حال حاضر ظرفیت‌های موجود در دو کشور، به دلیل حساسیت‌های موجود از جانب برخی رقیبا و دخالت‌های آمریکا در سطح قابل قبولی به کار گرفته نشده، اما تمایل مردم و تقویت اراده سیاسی دو کشور، چشم‌انداز همکاری‌های آتی را بسیار روشن نشان می‌دهد.

درصد رسید. اما پس از آن، بتدریج کاهش یافت، به گونه‌ای که در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به ترتیب بالغ بر ۲۵ و ۱۶ درصد گردید. این در حالیست که طبق اعلام صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی آذربایجان در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به ترتیب ۲۳/۴ و ۱۱/۶ درصد بوده و گزارش سالانه سازمان ملل در مورد موقعیت و چشم‌اندازهای اقتصادی، حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۹، این رشد حدود ۱۴ درصد خواهد بود.^(۱)

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، به‌رغم فراز و نشیب زیاد، از سال ۲۰۰۳ تا کنون، رو به گسترش بوده است. در حال حاضر همکاری دو کشور در زمینه‌های امنیتی و مبارزه با مواد مخدر، انرژی، حمل و نقل و ترانزیت، صنعت و کشاورزی در

جمهوری آذربایجان پس از استقلال، با مشکلات سیاسی و اقتصادی زیادی مواجه شد ولی بتدریج، با اتکا به منابع غنی معدنی و ظرفیت‌های بالقوه خود، با اجرای برنامه‌های اصلاحاتی، وضعیت اقتصادی خود را به گونه‌ای متحول نمود که رشد اقتصادی این کشور طی چند سال اخیر در صدر کشورهای منطقه و جهان بوده است. افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز و توسعه ظرفیت تولید به همراه راه‌اندازی خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان و توسعه صادرات نفت، نقش چشمگیری در رشد اقتصادی آذربایجان طی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ داشته است. طبق آمار رسمی دولت آذربایجان، تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۲۰۰۵ تا کنون بالاترین رشد را در منطقه داشته است و در سال ۲۰۰۶ به اوج خود یعنی ۳۴/۵

شرایط خوبی است و با تمایل دو کشور رو به توسعه است. علاقه جمهوری آذربایجان به توسعه همکاری‌ها به ویژه در زمینه‌های ساخت و ساز، حمل و نقل، انرژی و صناعی که ایران توانمندی‌های قابل ملاحظه‌ای دارد رو به رشد است. همان‌طور که بیان شد زمینه‌های همکاری‌های اقتصادی دو کشور متنوع می‌باشد. به همین دلیل سعی می‌شود اهم آنها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

همکاری‌های تجاری

حجم تجارت خارجی آذربایجان در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۵۵ میلیارد دلار بوده که تقریباً ۷۲ درصد آن با کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفته است. تراز تجاری این کشور در سال ۲۰۰۸ قریب به ۴۰ میلیارد دلار بود. ایتالیا اولین شریک تجاری شریک تجاری آذربایجان محسوب می‌شود.^(۲) حجم مبادلات تجاری ایران و آذربایجان در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۷۰۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال قبل (۶۵۰ میلیون دلار) ۷/۵ درصد رشد داشته است^(۳) و باتوجه به ظرفیت‌های بالقوه، می‌تواند به طور چشمگیری گسترش یابد. به همین دلیل، دو کشور تلاش می‌نمایند تا در سال جاری آن را به بیش از ۲ برابر افزایش دهند. مهمترین اقلام وارداتی ایران از آذربایجان شامل آلومینیوم و اکسید آلومینیوم، لوله و پروفیل آهنی، بازوهای انتقال نیرو، ماشین‌آلات تراش سنگین و گاز می‌باشد و مواد غذایی، میوه، مصالح ساختمانی، تخم مرغ، مواد شوینده، البسه، شکلات، محصولات پلاستیکی، کاشی و سرامیک و فرآورده‌های نفتی از جمله اقلامی هستند که از ایران به آذربایجان صادر می‌شوند.

بهره‌مندی از موقعیت ویژه حمل و نقلی

جمهوری آذربایجان به دریای آزاد راه ندارد و مسیرهای قدیمی دریای خزر از طریق کانال ولگا- دن-

دریای سیاه و مسیر ولگا- بالتیک نمی‌توانند به تنهایی پاسخگوی نیازهای روز افزون حمل و نقلی این کشور در روند توسعه اقتصادی و تجاری باشند و به ناچار آذربایجان باید به سایر مسیرهای موجود، از جمله مسیر ایران توجه بیشتری نماید. در حال حاضر ایجاد و تقویت مسیرهای زمینی به ویژه از طریق آذربایجان جهت توسعه کریدور شمال- جنوب در دستور کار سه کشور ایران، روسیه و آذربایجان گرفته است. این کریدور در گستره منطقه‌ای قرار گرفته است که بیش از یک پنجم جمعیت جهان را در خود قرار داده است و با توجه به حجم تجارت موجود در این منطقه، درآمدهای قابل ملاحظه‌ای را برای کشورهای واقع در مسیر به همراه خواهد داشت. در حال حاضر ۱۴ کشور عضو این کریدور هستند. در آینده، اتصال خط آهن جمهوری اسلامی ایران در منطقه آستارا به جمهوری آذربایجان و تکمیل خط آهن رشت- انزلی- آستارا شرایط لازم را جهت توسعه کریدور شمال- جنوب فراهم خواهد آورد. راه‌اندازی این مسیر، ظرفیت کریدور مذکور را حداقل به ۲۰ میلیون تن افزایش خواهد داد. توسعه تجارت و تردد سالانه بیش از ۵۰ هزار دستگاه کامیون، اتوبوس و سایر وسایط نقلیه میان دو کشور ایجاد می‌نماید شبکه جاده‌ای گسترش یابد. ایران و آذربایجان علاوه بر کریدور حمل و نقل شمال- جنوب، در سایر پروژه‌های حمل و نقل بین‌المللی نظیر آلتید^۱ و تراسیکا^۲ عضو هستند و در تقاطع مسیرهای شرق- غرب و شمال- جنوب قرار دارند.

1. Asian Land Transportation Infrastructure Development (ALTID)
2. Transport Corridor Europe Caucasus Asia (TRACECA)

آذربایجان در تولید و صادرات نفت قدمتی طولانی دارد و در واقع اولین چاه نفت در جهان در سال ۱۸۴۸ در باکو حفر شد. بر اساس آمار منتشره در مجله بین‌المللی نفت و گاز^۱ (ژانویه ۲۰۰۹) ذخایر نفت آذربایجان ۷ میلیارد بشکه و ذخایر منابع گازی این کشور ۳۰ تریلیون فوت مکعب تخمین زده شده است^(۴)، اما میزان ذخایر اثبات شده به ترتیب ۱/۲ میلیارد بشکه نفت خام و ۴/۴ تریلیون فوت مکعب گاز می‌باشد.^(۵) آذربایجان در سال ۲۰۰۸ حدود ۴۴/۵ میلیون تن نفت تولید کرد و درصد است در سال ۲۰۰۹ میزان آن را به ۴۶ تا ۴۷ میلیون تن برساند.^(۶) هم‌اکنون آذربایجان بیش از ۵۰ درصد نفت خود را صادر می‌نماید و در نظر دارد تا سال ۲۰۱۰ میزان آن را به ۱/۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. همچنین طبق برآورد انجام شده، تولید گاز این کشور در سال ۲۰۰۹ قریب به ۲۷ میلیارد متر مکعب خواهد شد.

با توجه به اینکه خطوط لوله قدیمی نفت باکو-نوروسیسک^۲ (مسیر شمالی) و باکو سوپسا^۳ (مسیر غربی) نمی‌توانستند جوابگوی توسعه صادرات نفت آذربایجان باشند، احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیحان^۴ با ظرفیت انتقال یک میلیون بشکه نفت در روز، کمک بزرگی به صادرات نفت این کشور نمود. اما تأسیس مسیرهای دیگر می‌تواند امکان انتقال نفت و گاز این کشور را به سایر نقاط جهان افزایش دهد و توان چانه‌زنی این کشور را در بازارهای جهانی بالا ببرد.

مشکلات صادرات گاز روسیه به اوکراین و اروپای سال‌های گذشته موجب شده تا کشورهای اروپایی جهت

انتقال گاز آسیای مرکزی و دریای خزر به دنبال مسیرهای جدید همچون نوبوکو باشند. در صورت عملیاتی شدن طرح جدید نوبوکو، تنها ۵ درصد نیاز گاز اروپا تأمین خواهد شد. در حال حاضر اروپا ۲۵ درصد گاز مورد نیاز خود را از روسیه وارد می‌کند.^(۷) آنچه مسلم است کشورهای منطقه از جمله آذربایجان و ترکیه برای بهره‌برداری کامل از خط لوله مذکور نیازمند همکاری ایران خواهند بود. اما روسیه بر استفاده از مسیرهای خطوط لوله قدیمی تأکید دارد و با افزایش قیمت گاز دریافتی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز سعی می‌نماید از گرایش صادرکنندگان به مسیرهای جدید جلوگیری کند.

موقعیت جمهوری اسلامی ایران به لحاظ برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و واقع شدن در بهترین مسیر انتقال انرژی، این امکان را بوجود می‌آورد تا بتواند در آینده نقش سازنده‌ای را در صادرات منابع انرژی کشورهای منطقه از جمله آذربایجان و همچنین تأمین انرژی کشورهای مصرف‌کننده در تمامی مسیرها داشته باشد. به همین دلیل هم‌زمان با توسعه ظرفیت‌های تولید داخلی، می‌بایست در توسعه میادین کشورهای منطقه و ایجاد مسیرهای جدید ترانزیتی، نقش واقعی خود را ایفا نماید.

جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق اهداف سند راهبردی چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله، طرح تقویت شبکه انتقال نفت و گاز و ترانزیت آن را در دستور کار دارد. در حال حاضر، توسعه زیرساخت لازم جهت انتقال منابع انرژی قفقاز و آسیای مرکزی از مسیر ترکیه می‌تواند در اولویت قرار گیرد زیرا با توجه به افزایش ظرفیت تولید و محدودیت شبکه‌های انتقال فعلی کشورهای منطقه، استفاده از مسیر ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. مسیرهای جنوبی و شرقی از این مزیت نسبی برخوردارند که

1. Oil & Gas Journal
2. Baku-Novorossiisk
3. Baku-Supsa
4. Baku-Tbilisi- Ceyhan

کشورهای منطقه برای انتقال منابع انرژی خود به کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا، تمایل دارند از آنها استفاده نمایند، به گونه‌ای که اخیراً روسیه درخواست نموده است در طرح خط لوله انتقال گاز به هند مشارکت نماید.

مشارکت در بهره‌برداری از منابع انرژی

آذربایجان بعد از استقلال برنامه‌های توسعه‌ای جامعه‌ای را دنبال نمود و با سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، تولید ناخالص داخلی خود را افزایش داد. به همین دلیل تولیدات نفت و گاز این کشور سهم بالایی از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده‌اند. مشارکت ایران در طرح‌های تولید و انتقال انرژی کشورهای منطقه به ویژه آذربایجان می‌تواند علاوه بر بهره‌مندی از سود مشارکت، در تعیین مسیرهای جدید انتقال انرژی در آینده اثرگذار باشد. ۱۹ کنسرسیوم نفتی در جمهوری آذربایجان فعالیت می‌نمایند که جمهوری اسلامی ایران تنها در کنسرسیوم حوزه شاه دنیز مشارکت نموده است و ۱۰ درصد سهام آن را در اختیار دارد. آذربایجان برای اجرای مرحله دوم توسعه میدان گازی شاه دنیز به ۱۶ تا ۲۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد.

ایران، پل ارتباطی آذربایجان و نخجوان

در گذشته ارتباط میان جمهوری آذربایجان و جمهوری نخجوان از طریق ارمنستان میسر بود اما با توجه به مشکلات سیاسی و درگیرهای این دو کشور، در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران مسیری مطمئن برای ارتباط زمینی جمهوری آذربایجان با نخجوان است و علاوه بر ایفای نقش خود در تأمین نفت و گاز و الکتریسیته نخجوان، پل ارتباطی زمینی خوبی برای آذربایجان و قلمرو جدا افتاده آن یعنی نخجوان می‌باشد. بدون شک این نقش کشورمان طی سال‌های گذشته، در

تداوم حاکمیت آذربایجان بر نخجوان مؤثر بوده است. همکاری در زمینه تولیدات کشاورزی در نخجوان و استفاده از ظرفیت‌های خالی صنایع تبدیلی استان آذربایجان غربی، ساخت سدهای کوچک، حمل و نقل و ترانزیت و گردشگری از جمله سایر زمینه‌های همکاری هستند.

دریای خزر

دریای خزر با ۳۷۰ هزار کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین دریاچه جهان می‌باشد که بین پنج کشور ایران، آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان واقع شده و به عنوان یک مسیر حمل و نقل و ترانزیت، منبع تأمین مواد غذایی و انرژی همواره مورد توجه مردم منطقه قرار داشته است. ذخایر نفت این منطقه به ۶۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده شده است که ۹۰ درصد آن بین مرزهای آذربایجان و قزاقستان قرار دارد و پس از خاورمیانه دومین حوزه نفتی بزرگ جهان محسوب می‌شود. طبق پیش‌بینی، تا سال ۲۰۱۰ تولیدات نفت این منطقه روزانه به ۳/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. همچنین بر اساس پیش‌بینی مرکز اطلاعات انرژی آمریکا، تولید نفت دریای خزر تا سال ۲۰۱۵ به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. پس از فروپاشی شوروی، اختلاف نظر کشورهای ساحلی حصول توافق اصولی برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر را با مشکل مواجه ساخته و برخی از کشورها که مواضع نزدیکی داشتند، به توافقات دوجانبه و سه‌جانبه دست یافتند. برای نمونه می‌توان به توافقات آذربایجان با روسیه (سپتامبر ۲۰۰۲) و با قزاقستان (نوامبر سال ۲۰۰۱ و مه ۲۰۰۳) اشاره کرد. آنچه مسلم است منافع کشورهای ساحلی در گرو وجود منطقه‌ای باثبات و بدون تنش به عنوان بستری جهت بسط همکاری‌های اقتصادی می‌باشد و بدون

همگرایی نزدیک کشورهای ساحلی امکان پذیر نمی باشد. به همین دلیل سیاست تنش زدایی و توسعه همکاری ها با کشورهای منطقه از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه می باشد. با در نظر گرفتن سرمایه گذاری های انجام شده و افزایش تولید نفت و گاز انتظار می رود در دو دهه آینده منطقه خزر از نظر تولید و عرضه نفت و گاز بعد از خلیج فارس از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد شد. با توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی کشورمان و امکان استفاده از پایانه های صادراتی آب گرم جنوب در تمامی فصول سال، انتظار می رود در آینده حجم قابل توجهی از ترانزیت انرژی منطقه به جمهوری اسلامی ایران اختصاص یابد و تحقق این امر قطعاً قدرت چانه زنی کشورمان در اوپک را نیز افزایش خواهد داد.

عضویت در سازمان های منطقه ای و بین المللی

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در بسیاری از سازمان های بین المللی و منطقه ای عضوند. دو کشور در سازمان کنفرانس اسلامی^۱ و سازمان همکاری اقتصادی (اگو)^۲ همکاری خوبی دارند. با توجه به اینکه دو سازمان فوق همکاری در زمینه های تجارت، حمل و نقل و ترانزیت و انرژی را در دستور کار خود قرار داده اند، دو کشور می توانند از امکانات آنها برای توسعه همکاری های خود استفاده کنند.

کشورهای عضو اگو در نظر دارند با اجرایی کردن موافقتنامه تجاری اگو (اکوتا)^۳ و تداوم کاهش تعرفه ها و ایجاد تجارت آزاد، اجرای موافقتنامه چارچوب حمل و نقل

و ترانزیت^۴ و گسترش خطوط حمل و نقل، ارتقای خدمات مالی و بانکی از طریق بانک توسعه و تجارت اگو و خدمات بیمه ای با راه اندازی شرکت بیمه اتکایی اگو و همچنین گسترش خطوط انتقال انرژی، راه را برای توسعه تجارت و رشد اقتصادی منطقه هموارتر نمایند. منطقه اگو از نظر تولید انرژی در رتبه سوم جهان قرار دارد.^۵

همکاری در ایجاد ترتیبات جدید منطقه ای

موضوع تأسیس سازمان همکاری اقتصادی دریای خزر طرحی است که روسیه و ایران به دنبال آن هستند و اخیراً تلاش روس ها در این زمینه بیشتر شده است. در واقع تحقق این طرح، علاوه بر افزایش تفاهم و یکپارچگی اقتصادی و سیاسی کشورهای ساحلی، می تواند حضور و نفوذ کشورهای غربی به ویژه آمریکا را در منطقه کم رنگ نماید. بدون شک وجود منطقه ای امن و آرام به نفع شرایط اقتصادی و سیاسی تمامی کشورهای منطقه خواهد بود. پنج کشور ساحلی دریای خزر بیش از ۲۴۰ میلیون نفر جمعیت دارند. در حال حاضر مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورهای ساحلی دریای خزر بیش از ۳ میلیارد دلار می باشد.^۶

بحران مالی جهان

تأثیر منفی بحران اقتصادی جهان بر اقتصاد آذربایجان کم تر از سایر کشورهای منطقه قفقاز بوده است ولی کاهش قیمت نفت و گاز در اثر کاهش تقاضای جهانی ناشی از بحران، درآمدها و رشد اقتصادی این کشور را به طور قابل ملاحظه ای کاهش داده است. آذربایجان به جهت سرمایه گذاری در حوزه نفت و گاز خود در طول سال های گذشته و افزایش توان تولید، می تواند با افزایش صادرات مشکلات خود را حل نماید.

4. The Transport Transit Framework Agreement (TTFA)

1. The Organization of Islamic Conference (OIC)
2. The Economic Cooperation Organization (ECO)
3. The Economic Cooperation Organization Trade Agreement (ECOTA)

نتیجه‌گیری

نگاهی به روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نشان می‌دهد که همکاری دو کشور در آغاز به دلیل مشکلات سیاسی، بیش‌تر تابع تمایلات و علایق فرهنگی و سنتی ملل دو کشور بوده است ولی بتدریج با اراده و خواست مثبت سیاسی دولت‌ها، نهادینه و از ثبات نسبی برخوردار گردید. بدون شک همکاری در تولید و صادرات انرژی و همچنین حمل و نقل و ترانزیت می‌بایست در اولویت قرار گیرند. موقعیت دو کشور از نظر داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و واقع شدن در کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل، زمینه‌ای لازم را برای گسترش طبیعی همکاری‌ها فراهم آورده و بدیهی است شناسایی ظرفیت‌های موجود و زمینه‌های مناسب همکاری‌ها می‌تواند روند توسعه روابط دو کشور را جهش قابل ملاحظه‌ای بخشد. همچنین مشکلات و موانع پیش روی فعالان اقتصادی دو کشور مخصوصاً تجار و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی که روند توسعه را کند می‌نمایند می‌بایست مورد شناسایی قرار گیرند و برطرف شوند. در این صورت می‌توان انتظار داشت فضای رقابتی مطلوبی ایجاد شود که به دور از حساسیت‌ها و دخالت‌های برخی کشورها به ویژه آمریکا، تأثیر مثبت و مؤثری بر مناسبات دو کشور داشته باشد. بدیهی است در صورت تحقق اهداف توسعه‌ای و رفع موانع، آینده روابط دو کشور بسیار روشن خواهد بود. توسعه صادرات غیرنفتی و خدمات و سرمایه‌گذاری مشترک بین ایران و آذربایجان می‌تواند متناسب با میزان همکاری‌ها، نقش مؤثری در اجراء و دستیابی به اهداف برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

محمد رضا علی پور ناندل

اداره امور اکو - وزارت امور خارجه

تأثیر این بحران بر اقتصاد ایران نیز همچون آذربایجان، به طور مستقیم نبوده و تنها به دلیل کاهش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش درآمدها بوده است. به همین دلیل دو کشور برای مقابله با بحران تنها یک مسیر را می‌بایست طی نمایند. در واقع همکاری در جهت تنظیم میزان عرضه نفت و گاز متناسب با تقاضای فعلی جهان، می‌تواند تأثیر مثبت در افزایش منطقی قیمت‌های نفت و گاز داشته باشد و تعامل نزدیک با آذربایجان و سایر کشورهای منطقه، دستیابی به این هدف بزرگ را تسهیل می‌کند.

مزایای سرمایه‌گذاری در جمهوری آذربایجان

آنچه مسلم است مزیت‌های سرمایه‌گذاری در جمهوری آذربایجان با توجه به نوع و زمینه فعالیت و اهداف هر سرمایه‌گذار متفاوت می‌باشد. جمهوری آذربایجان عضو جامعه مشترک‌المنافع می‌باشد و حضور در عرصه تولید این کشور، کسب سهم قابل قبولی از بازار داخلی را ممکن می‌سازد و سرمایه‌گذاران با استفاده از تسهیلات ترجیحات تعرفه‌ای رایج بین کشورهای عضو جامعه مذکور، شرایط رقابتی مساعدی را در منطقه خواهند داشت. هم‌مرز بودن دو کشور، هزینه‌های حمل و نقل برای انتقال مواد اولیه را کاهش می‌دهد. مواد اولیه موجود در این کشور، زمینه‌های سرمایه‌گذاری مناسبی را در برخی زمینه‌ها مهیا کرده است. در حال حاضر زمینه‌های سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی، صنایع ماشین‌سازی، فرآوری محصولات کشاورزی، تولید دام و طیور، صنایع نساجی و صنعت گردشگری در آذربایجان وجود دارد، اما برای بررسی میزان توجیه اقتصادی آنها و انتخاب بهترین گزینه، یک مطالعه میدانی در مورد میزان تولیدات و نیاز فعلی بازار داخلی و منطقه مورد نیاز است.

1. IMF growth projections for the Caucasus and Central Asia, www.imf.org
 2. Azerbaijan in figures, 2009; The State Statistical Committee of the Republic of Azerbaijan
 ۳. هفتمین اجلاس کمیسیون مشترک ایران و آذربایجان گشایش یافت، ۱۳۸۷/۱۲/۱، خبرگزاری فارس.
 4. World Proved Reserves of Oil & Natural Gas, Most Recent Estimates, www.eia.doe.gov
 5. Oil and Gas in Azerbaijan (www.azeb.com/az-oil.html)
۶. افزایش تولید نفت خام آذربایجان در ۵ ماه نخست سال ۲۰۰۹، شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شاننا)، ۲۷ خرداد ۱۳۸۸
۷. واکنش‌های داخلی و خارجی به نوبوکو، روزنامه جهان اقتصاد، ۲۳ تیر ۱۳۸۸
۸. منطقه اکو رتبه سوم را در تولید انرژی دنیا داراست، خبرگزاری مهر (www.mehrnews.com)، ۱۳۸۵/۹/۶
۹. عبدالحمید اسدیان: مبادلات تجاری ایران با کشورهای حاشیه خزر سالانه سه میلیارد دلار است، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۷/۱/۲۳.

